



محمد رضا گلزار که امسال مربی بدن ساز تیم والیبال ار تعاشات شد از شغل جدیدش می گوید

# به خاطر سینما هم وایبالی را ول نمی‌کنم

مهدی امیر پور

محمد رضا گلزار در سال گذشته یکی از چهره‌های سال بود؛ نه به خاطر کسوف کوتاه مدتش در سینما، که به خاطر ظهورش روی نیمکت «ار تعاشات» در لیگ برتر والیبالی. در روزهای ابتدایی پاییز خبری دهان به دهان گشت مبنی بر اینکه بنیاد محمد رضا گلزار در لیگ برتر والیبالی بازی کند؛ خبری که حتی تصورش هم برای بعضی‌ها خیلی هیجان‌انگیز بود. اما تنها چند روز بعد از آن شایعه، خیر رسمی مربیگری محمد رضا گلزار در تیم ار تعاشات منتشر شد. گلزار در کادر فنی ار تعاشات، مربی بدنساز تیم شد و با این اتفاق موجی از انتقادات به «بازیگر - مربی» آغاز شد. گفت‌وگو با محمد رضا گلزار در روزی هماهنگ شد که ار تعاشات در سالن والیبالی آزادی، گل‌گهر را برد و البته ۲ روز پس از آن در دفتر آقای «بازیگر - بدنساز» در خیابان یخچال مصاحبه ما کلید خورد. با این پیش شرط که حرفی از سینما نزنیم و گفت‌وگویمان کاملا ورزشی باشد. خوش خلقی گلزار در این گفت‌وگوی ۲ ساعته باعث شد که هر چه بخواهیم بپرسیم؛ البته فقط در حوزه ورزش.

● تا الان همه تصور می‌کردند محمد رضا گلزار بازیگری بوده که به والیبالی هم سرگشیده. ولی انگار پیش از اینکه بازیگر شوی، والیبالیست بودی. از چه سالی والیبالی بازی کردی؟  
من از سال ۶۶ والیبالی بازی کردم و در آن سال قهرمان مینی والیبالی تهران شدیم. در تیم نوجوانان پارس خودرو بودم. یاد می‌آید مسابقاتش در سالن دهبیم تهران بود. بعد هم به شیشه و گاز رفتم و در تیم جوانان آن بازی کردم. در آن سال‌ها یک مرتبه هم به تیم تهران دعوت شدم.

● الان عکس‌هایت را که نگاه می‌کنم، با تیم پاس هم عکس داری.  
حیدر خان - سرپرست آن دوران تیم پاس - از دوستان پدرم بود. برای همین شانس داشتم با آنها هم تمرین کنم و مدتی را هم در فضای حرفه‌ای والیبالی بگذرانم.  
● در چه پستی مهارت بیشتری داشتی؟  
توپگیر خوبی بودم. در نوجوانان تهران عنوان بهترین دریافت‌کننده از آن من شد. البته در کارهای سرعتی هم بد نبودم و تیمان کلی امتیاز از کارهای سرعتی من می‌گرفت.

● تا چند سالگی والیبالی را جدی دنبال می‌کردی؟  
تا ۱۸-۱۷ سالگی جدی والیبالی بازی کردم. پس از آن هم تقریبی بود.  
● البته چندتا هم تقریبی لیگ نبوده. تا چند ماهه پیش تیم والیبالی هنرمندان را می‌گرداندی.

چند ساله کاپیتان تیم والیبالی هنرمندان بودم تا اینکه یک مرتبه یک بازی دوستانه با تیم ار تعاشات صنعتی تهران داشتم. پس از آن بود که با علی شهیدیان - مدیر ار تعاشات - حرف‌هایی زدیم برای پیوستن به ار تعاشات صنعتی.

● قبول کن که انتخاب تو به عنوان مربی بدنساز تیم ار تعاشات در مسابقات سوپر لیگ اتفاق عجیبی بود. به هر حال بدنسازی یکی از تخصصی‌ترین زیرشاخه‌های ورزش است و کسی که در این پست کار می‌کند باید با این شاخه از ورزش آشنا باشد.

من هم با بدنسازی آشنا هستم. چند سالی به صورت جدی بدنسازی کار می‌کردم و البته این مزیت را هم داشتم که به خوبی فضای والیبالی را می‌شناختم و نسبت به آن حضور ذهن داشتم. برای همین هم پیشنهاد مدیر ار تعاشات را قبول کردم.

● ناراحت نمی‌شوی یک انتقادی از تو بکنم؟  
راحت باش.

● آدم تصور می‌کند که از وقتی حضورت در سینما کم‌رنگ‌تر شده، به والیبالی آمدی تا در صحنه بمانی. ببینید، اولاً که حضور من در سینما هیچ وقت کم‌رنگ نشده. الان یک فیلم در نوبت اکران دارم و سال آینده هم قرارداد بسته برای بازی در یک فیلم دیگر.

● اتفاقاً مشکل همین جاست. احساس می‌شود که اگر به سینما برگردی دیگر مربیگری در والیبالی خود به خود منتفی می‌شود.

نه اصلاً این‌طور نیست. شاید در روزهایی که ضبط

داریم و صبح تا شب درگیر فیلم برداری هستیم نتوانم به تمرینات تیم بپیام ولی باز هم با تیم هستم. همان‌طور که من به خاطر مربیگری در ار تعاشات بازیگری در سینما را رها نکردم. مطمئن باشید به خاطر سینما هم والیبالی را ول نمی‌کنم. من پس از چند سال دوری از والیبالی، تازه به سالن‌های والیبالی برگشتم. محال است که به این زودی‌ها آن را رها کنم.

● اما پیش از این، یک دوره موزیسین هم بودی و پس از اینکه بازیگر سینما شدی، آن را ول کردی.  
من هنوز هم موزیک را ول نکردم. الان پرکاشن را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کنم.

● اصلاً این انتقاد را قبول داری که گلزار به خاطر شهرتش به والیبالی آمده و او را آوردند تا از شهرتش استفاده کنند؟  
حرف شما آبخش دارد؛ یکی اینکه من به خاطر شهرتم به والیبالی آمدم. بخش دوم هم بر می‌گردد به اینکه من در والیبالی چیزی ندارم و تنها آمدم تا شهرتم استفاده کنند.

● نه کاری ندارم به اینکه از والیبالی اطلاعاتی داری یا نه. فقط می‌خواهم بگویم شهرت رضا گلزار در حضورش در تیم ار تعاشات بی‌تاثیر نبوده. شما با این موضوع مشکل دارید؟

● من که مشکلی ندارم اما می‌توانم تصور کنم بعضی تماشاگران حرفه‌ای والیبالی از اینکه ببینند یک بازیگر آمده تنوعی لیگ برتر والیبالی و تخصصی‌ترین پست کادر فنی ار تعاشات را از آن خود کرده، حس خوبی نداشته باشند.

ببینید، من از ۱۰ سالگی در والیبالی بودم و از اعضای خانواده والیبالی به حساب می‌آیم. من پیش از اینکه بازیگر باشم، والیبالیست بودم. کسانی که این حرف را می‌زنند خودشان از خانواده والیبالی نیستند، وگرنه در این سال‌ها من رانیده بودم.

● راستی چرا پیش از اینکه در ار تعاشات مربی بدنساز شوی، هیچ وقت فاش نکرده بودی که در جوانی والیبالیست بودی؟

برو ببین من هر جایی که گفت‌وگو داشتم و پرسیدند که در جوانی چه کار کردی، گفته‌ام والیبالی بازی می‌کردم. ● اما من نشنیده بودم. آدم تصور می‌کند که شاید اصلاً نمی‌خواستی لو بدهی که زمانی ورزشکار حرفه‌ای بودی اما حالا که به والیبالی آمدی از آن سابقه استفاده کردی.

باز هم می‌گویم که در تمام گفت‌وگوهایم تا الان هر کسی از دوران نوجوانی من پرسیده من از دوران والیبالی حرف زده‌ام.

● تو یک دوره والیبالیست بودی. بعد رفتی توی گروه آریان گیتار زدی. ستاره سینما شدی. حالا برگشتی به دنیای والیبالی. زیاد از این شاخه به آن شاخه نهریدی؛ آن هم تو که حضورت در هر یک از این حوزه‌ها یک اتفاق بزرگ به حساب آمده.

حالا این کاری که من کردم کار بدی بوده؟

● من اعتقاد دارم که هر کسی هر کاری دلش می‌خواهد می‌تواند بکند.

پس چه مشکلی با این موضوع داری؟ من

سعی کردم از بیشتر وقتم و سال‌های زندگی‌ام بهره کامل را ببرم. ناراحت می‌کند؟  
● اگر گیتار بیست باشی و همزمان بازیگر و البته دستی هم در والیبالی داشته باشی، مشکلی نیست. اگر یکی از اینها شغلت باشد و اتای دیگر تفریح و سرگرمی مشکلی نیست. اما وقتی تو هر سه تای اینها را به عنوان شغل انتخاب کنی، بالاخره بعضی‌ها پیدا می‌شوند که انتقاد کنند.

من والیبالیست هستم. استعداد موزیک هم دارم. در پیش از اینکه مربی بدنساز ار تعاشات بشوم، کسی کاری به این مسائل نداشت اما حالا همه بند کرده‌اند به اینکه من را به خاطر شهرتم به والیبالی آورده‌اند. من والیبالیستی حرفه‌ای هستم و می‌گویم حتی اگر به خاطر شهرتم هم من را به والیبالی آورده باشند نباید این‌طور با من برخورد شود. مگر نه اینکه از وقتی که به ار تعاشات آمدم در مسابقات خانگی تیمان سالن پر از تماشاگر می‌شود. این اتفاق خوبی نیست؟ اینکه هنرمندان به ورزش روی بیاورند و بقیه هم تشویق شوند بد است؟ آقای داورزنی که رئیس فدراسیون والیبالی هستند اعتقاد دارند حضورم در کادر فنی ار تعاشات یکی از اتفاقات خوب لیگ است

اما کسانی که حتی یک بار هم پایشان را در سالن‌های والیبالی نگذاشته‌اند نمی‌دانند اصلاً در سالن‌های والیبالی چه می‌گذرد غر می‌زنند که رضا تنها به خاطر شهرتش به والیبالی آمده. شما سر مسابقات ار تعاشات به سالن آمدید؟

● بله، من یکی دو تا از مسابقات ار تعاشات را در سالن والیبالی آزادی دیدم. برای من که این توهم پیش آمده که داورها به احترام محمد رضا گلزار حساسی هوای تیم را دارند.

این حرف‌ها را قبول ندارم. می‌خواهم بدانم در سالن والیبالی این انتقاداتی که شما می‌گویید وجود دارد؟  
● نه. در سالن والیبالی از بهنام محمودی هم که ستاره تیمتان است محبوب‌تری. اصلاً هر وقت تیمتان امتیاز بگیرد به جای اینکه والیبالیست‌های در زمین را تشویق کنند تو را تشویق می‌کنند. شعار می‌دهند

«استوره سینما». راستی معذب نیستی فضای سالن‌ها این‌جوری است؟



شهرت گلزار به نفع تیم ار تعاشات تمام شد

## پر تماشاگر ترین تیم تهرانی

علی شهیدیان\*

رضا از دوستان قدیمی من است. در دورانی که با تیم ار تعاشات در لیگ دسته اول تهران بازی می‌کردیم، یکی دو بار با تیم والیبالی هنرمندان دیدار دوستانه داشتیم و ایده همکاری با گلزار از آنجا به وجود آمد. پس از اینکه تیم ما به جای تجار کیش در لیگ برتر والیبالی شرکت کرد، دیگر من این ایده را عملی کردم و رضا را به تیم آوردم. در هر حال با حضور گلزار ما با یک تیر دو نشان زدیم؛ نه تنها یکی از بهترین سوپر استارهای سینمای ایران را به تیممان جذب کردیم که حتی از تجربیات زیاد او در والیبالی هم بهره بردیم.

قبول دارم که حضور گلزار از ابعاد تبلیغاتی هم به نفع ماست و باعث شده نام ار تعاشات سر زبان‌ها بیفتد. به هر حال چه اشکالی دارد که چند نفر به خاطر رضا گلزار به سالن‌های والیبالی بیایند و به تماشاگران لیگ برتر والیبالی اضافه بشوند. البته این فصل به خاطر اینکه با فدراسیون والیبالی شرط کرده بود

از چند بازیکن تیم نوجوانان در تیممان استفاده کنیم، وضع چندان خوبی نداریم ولی با وجود این، دیگر احتمال سقوط تیم وجود ندارد. ما برای سال آینده برنامه‌های زیادی داریم و می‌خواهیم با حضور رضا گلزار، ار تعاشات به یکی از قطب‌های والیبالی ایران تبدیل شود. البته این فصل هم ما

پر تماشاگر ترین تیم تهرانی لیگ برتر بودیم که در هر بازی ما ۲-۳ هزار نفر به سالن والیبالی مجموعه ورزشی آزادی می‌آیند. جالب اینجاست که بیشتر تماشاگران ما هم جوانان و نوجوانان هستند؛ همان‌طور که در تیممان هم

۸-۷ بازیکن نوجوان داریم.

گلزار در جمع وجود شدن این تیم تاثیر زیادی داشت. به خاطر سن پایین بازیکنان تیم، مشکلات روحی و روانی از جدی‌ترین معضلات آن است که البته رضا روی نیمکت ار تعاشات برایمان نقش یک روان‌شناس خوب را هم بازی می‌کند و هر جایی که بازیکنان نوجوان تیم در دیدارها به مشکل روحی می‌خورند با آنها حرف می‌زند و انگیزه را به آنها بر می‌گرداند. جدا از اینکه او مربی بدنسازی خوبی هم هست و الان حتی بهنام محمودی هم از تمرینات بدنسازی او کاملاً راضی است. در پایان هم آرزو می‌کنم که بتوانیم در سال‌های آینده هم در تیم ار تعاشات در خدمت رضا گلزار باشیم و بتوانیم در کنار هم به مسابقات آسیایی هم برویم.

\*مدیر تیم ار تعاشات



## آلبوم اختصاصی رضا گلزار از دوران کودکی وقتی سوپر استار کوچک بود

بخش هیجان انگیز ملاقات ۲ ساعته ما با محمدرضا گلزار جایی بود که او پیش از آغاز گفت‌وگو پوشه زرد رنگی تحویل ما داد؛ پوشه‌ای که ابتدا آن را چندان جدی نگرفتیم ولی وقتی باز شد دیدیم گلزار چیزی شبیه به هدیه برای ما کنار گذاشته؛ آن هم چیزی نبود جز عکس‌های منتشر نشده‌ای از آقای سوپر استار که همه مال دوران کودکی و نوجوانی اوست. اگر تا پیش از این، گلزار در حرف‌هایش از سابقه حضورش در والیبال پرده برداشته بود این بار با انتشار عکس‌های دوران نوجوانی او در همشهری جوان، دیگر کسی نمی‌تواند خرده‌ای به او بگیرد.

نه عکس‌ها واقعی بود. ایت بال بازی می‌کردیم. شما بروید یا جناب آقای دایی؟

آدمت بازی کردیم. من هر آدست را بردم. راستی حالا که این قدر با جناب آقای دایی از تباط خوبی دارم چه‌چرا برای تماشای مسابقات تیم ملی به استادبوم آزادی نمی‌روید؟

صد در صد برای بازی‌های حساس تیم ملی در مسابقات مقدماتی به استادبوم می‌روم.

آزادی رفتی؟

بله. البته احتمالا این قضیه برای دورانی است که کسی تورا نمی‌شناخت.

بله، دوران نوجوانی بود.

برای تماشای مسابقات چه تیمی به استادبوم می‌رفتی؟

حالا بماند. استقلال بود یا پرسپولیس؟

برای بازی‌های پارس می‌رفتم ورزشگاه در انتهای این گفت‌وگو می‌خواهم تشکر کنم از آقای علی شهیدیان که باعث بازگشت من به عرصه والیبال شدند. همچنین تشکر می‌کنم از ۲ مربی بدنسازم که مدتی است تحت نظرشان تمرین می‌کنم؛ جناب آقای مجتبی عالی و آقای علی غلامی.

هر وقت این اتفاقات می‌افتد در وقت استراحت بین گیم‌ها می‌روم سمت تماشاگران، خواهش می‌کنم که تیم را هم تشویق کنند.

اما با وجود این، باز هم کار خودشان را می‌کنند و فقط شعار می‌دهند «سپوره سینما».

هر جامی روم مردم استقبال می‌کنند. همیشه این‌طوریه.

محبوبیت در سالن‌های سینما لذت‌بخش تر است یا شهرت در سالن‌های ورزشی؟ در سینما یک فیلمی را بازی می‌کنی. یک سال بعد از اینکه اگران شد مردم تازه می‌فهمند چه کار کردی. حتی اگر از فیلم خوششان آمده باشد دستشان به تو نمی‌رسد که رو در رو احساسشان را با تو در میان بگذارند اما در والیبال همین که تیم امتیاز می‌گیری همه تورا تشویق می‌کنند.

پیش از این هم وقتی در موسیقی بودم وقتی کنسرت داشتیم این موضوع را تجربه کرده بودم.

روژ اولی که سر تمرینات ار تعاشات رفتی بر خورد عجیبی با تو نداشتند؟ مثلا علیه تو موضع بگیرند که فلاهی بازی بگر بوده و الان به خاطر شهرتش مربی بدنساز ما شده.

نه مشکلی وجود نداشت. خیلی زود با من کنار آمدند.

از وقتی به ار تعاشات آمدی دیگر با تیم هنرمندان والیبال هم که کار نمی‌کنی.

این تیم الان دیگر فعالیت زیادی ندارد. به هر حال وقتش شده بود من حرفه‌ای تر به والیبال نگاه کنم و برای همین به ار تعاشات آمدم.

در بین هنرمندان، والیبالیست دیگری بود که احساس کنی او هم می‌تواند به والیبال حرفه‌ای بیاید؟

واقعیتش را نخواهید نه. غیر از آقای قربیان که سابقه والیبال حرفه‌ای داشتند، بین هنرمندان کسی را نمی‌شناختم که جدی منظورم غیر از بدنسازی است؟

اسکی می‌کنم. حرفه‌ای؟

این راز کسانی بپرسید که اسکی کردن من را در پیست دیده‌اند.

ما که ندیدیم. خودت بگو.

من در پیست با کلاه و عینک اسکی می‌کنم. کسی نمی‌فهمد رضا گلزارم. وقتی از بالای

### گزارشی از اتفاقات حاشیه‌ای در سالن والیبال

#### دستفروش عاشق

اگر وقت کنیدی و سری به سالن والیبال آزادی بزنی، در بیک نگاه می‌فهمید که الان ار تعاشات، پر تماشاگرترین تیم تهرانی لیگ برتر والیبال است. از روزی که محمدرضا گلزار روی نیمکت تیم زردپوش تهرانی می‌نشیند، یک تکان اساسی در میزان تماشاگران والیبال رصد شده.

الان در دیدارهای خانگی ار تعاشات دست کم ۲ هزار نفری به سالن می‌روند که در لیگ برتر والیبال آمار بالایی است. البته این را هم باید اضافه کرد از وقتی که گلزار مربی بدنساز ار تعاشات شده، فضای سالن‌های والیبال، خانوادگی‌تر از گذشته هم شده. بد نیست بدانید که الان در سالن‌های والیبال تماشاگران خانم بدون هیچ گونه مشکلی می‌آیند تا دیدارهای لیگ برتر را تماشا کنند. اگر هنگام تماشای مسابقات ار تعاشات گوشه‌ای را تیز کنید می‌شنوید که عده‌ای از تماشاگران از روی دست‌نوشته‌هایشان شعرهایی را که برای گلزار سروده‌اند می‌خوانند و از سوی دیگر کسانی که اصلا سرووضع‌شان شباهتی به تماشاگران والیبال ندارد پای ثابت تماشای مسابقات والیبال شده‌اند.

اگر سر صحبت را با آنها باز کنی می‌فهمی که آنها پیش از ورود گلزار به والیبال چندان اهل ورزش نبوده‌اند اما پس از آنکه گلزار به ار تعاشات آمده و آنها یکی دو مرتبه برای تماشای گلزار آمده‌اند، گویی همان یکی دو مرتبه کافی بوده تا آنها از والیبال خوششان بیاید و الان دیگر هر هفته برای دیدن دیدارهای لیگ به سالن بروند. این را هم نباید از قلم انداخت که سالن والیبال آزادی یک دستفروش دارد که هنگام برگزاری مسابقات، چیپس و پفک و آبمیوه و آب معدنی می‌فروشد.

اگر حواستان جمع باشد، می‌بینید که در وقت استراحت هر گیم، این دستفروش با هزار دردسر به سمت نیمکت ار تعاشات می‌رود تا به گلزار آب معدنی و آبمیوه بدهد. از آن سو هم در وقت استراحت گیم‌ها تماشاگران حساسی از خجالت استاد درمی‌آیند و هر جور که تصورش را بکنند او را تشویق می‌کنند. در پایان هم باید توصیه کرد که روی گرفتن امضا از گلزار در پایان بازی حساب نکنید؛ او سریع‌تر از چیزی که فکر کنید از مجموعه خارج می‌شود؛ اگر امضا می‌خواهید باید در وقت استراحت بین گیم‌ها سروقشش بروید!

گلزار حتی کارت شرکت در اولین المپیاد ورزشی دانش‌آموزانرا هم تا الان نگه داشته‌است



حکم فهرمانی مسابقات آموزشگاه‌های منطقه ۷ تهران که رضا با تیم دبیرستان منتظری فهرمان تهران شد



این هم کارت‌های رضا در دوران کودکی که به کلاس‌های والیبال می‌رفت



گویا گلزار در اسکی حرفه‌ای‌تر از والیبال است. این عکس ثابت می‌کند او از با سابقه‌های شمشک و دیزین به حساب می‌آید



این عکس تیم والیبال یاس در دهه ۶۰ است. احتمالا رضا گلزار رابه جا آورده که در آن روزها یک نوجوان ۱۰ ساله بوده

گلزار کوچک را که در آن وسط می‌بینید، شماره ۱۷ این تیم را نگاه کنید. ایشان همان آقای خجسته است که یک دوره در تلویزیون گزارشگر ورزشی بود